

نقش شیخ حسن کاشی در اشاعه مذهب تشیع

علی اکبر شیخی

دانش آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور کرمان، دبیر آموزش و پرورش ناحیه دو زاهدان، مقطع متوسطه اول

چکیده

حسن کاشی آملی از شاعران شیعی مذهب قرن هفتم هجری قمری است. وی از شعر به عنوان ابزار و رسانه ای برای نشر اعتقاداتش استفاده می نمود، به طوری که تمام عمر خود را صرف ترویج مذهب تشیع و سرودن اشعاری در مدح اهل بیت (ع) به ویژه مدح علی (ع)، امام رضا (ع) و امام حجت (عج) کرده است. با مراجعه به دیوان حجیم شیخ حسن کاشی این نکته را ملموس می یابیم که بیشتر سروده های این شاعر به بیان فضیلت های نیک خاندان پیامبران (ص) اختصاص یافته است و به غیر از این خاندان پاک شخص دیگری را مورد ستایش قرار نداده بود. شیخ کاشی با توان شاعری و قدرت در سخنوری و نیز با عزت نفس و مناعت طبع، قصد داشت تا آیین ناب اسلام و مذهب بر حق تشیع را به خوبی معرفی کند. پژوهش کنونی تحقیقی است توصیفی - تحلیلی با عنوان: «نقش شیخ حسن کاشی در اشاعه فرهنگ تشیع» که در آن تلاش شده نحوه تأثیر و نقش شاعر پرآوازه قرن هفتم هجری بر اشاعه و توسعه مذهب تشیع در خطه ی مازندران مورد بررسی و تبیین قرار گیرد.

واژه های کلیدی: شیخ حسن کاشی، اشاعه فرهنگ تشیع، امام علی (ع)، امام رضا (ع).

مقدمه

یکی از زمینه های مهم مطالعه در ادب گذشته ی فارسی، بررسی تأثیر قرآن و حدیث بر آثار ادبی است. قدیمی ترین آثار برجای مانده از زبان فارسی متعلق به زمانی است که پیش از آن روزگار، جامعه ی ایران دین مبین اسلام را به تمام وکمال پذیرفته بود. طبیعی است که آیین جدید در شعر و آثار ذوقی فارسی زبانان تأثیر گذاشته باشد. توجه به قرآن و حدیث در آغاز شکل گیری ادب دری اندک است، با گذر روزگار روزفزونی می نهد و اندک اندک گسترش می یابد. این توجه در سده های هفتم و هشتم با گسترش معارف اسلامی و اندیشه های عارفانه به اوج خود می رسد، گونه ای که شاعران این ادوار مستقیم یا غیر مستقیم از قرآن و حدیث اثرها پذیرفته و فراخور استعداد و ظرفیت خویش از این دو سرچشمه ی حیات بخش مستفیض گشته اند. از جمله شاعران شیعی مذهب این قرن که اشعار خود را با الهام از معانی بلند قرآن و احادیث، به صورگوناگون و برای اهداف خاص باور و مزین ساخته، مولانا حسن کاشی است. جلوه های قرآن و حدیث در دیوان او که به حق آیینی ی تمام نمای روحیات و افکاراوست، چشمگیر است. درواقع همین ویژگی ما را برآن داشت تا به استخراج، دسته بندی و تحلیل موارد اثرپذیری او از قرآن و حدیث بپردازیم. (ذبیحی و همکاران، ۱۳۹۳)

بیان مسأله

حسن بن محمود کاشی آملی از شاعران شیعی مذهب قرن هفتم هجری قمری است. وی از شعر به عنوان ابزار و رسانه ای برای نشر اعتقاداتش استفاده می نمود، به طوری که تمام عمر خود را صرف ترویج مذهب تشیع و سرودن اشعاری در مدح اهل بیت (ع) به ویژه مدح علی (ع) کرده است. زادگاه حسن کاشی آمل بوده و آرامگاهش در سلطانیه زنجان قرار دارد. وی همه اشعارش درباره ستایش از امامان شیعه، به ویژه علی بن ابیطالب (ع) است. (حداد عادل، ۱۳۸۹: ۲۴).

آن حسن نامم که اندر مدح داماد نبی می کند بر طبع پاکم حسان آفرین

جد و پدر مولانا حسن از کاشان بوده اند، اما زادگاه و محل زندگی او آمل در طبرستان (مازندران) بوده است.

مسکن کاشی اگر در خطه ی آمل بود لیکن از جد و پدر، نسبت به کاشان می رسد

بنا به گفته ی دولت شاه سمرقندی، حسن کاشی هم عصر سلطان محمد خدابنده الجایتو (پادشاهی ۶۹۵-۶۸۲ شمسی / ۷۱۶-۷۰۳ قمری) بوده است و بنابراین بخشی از عمر او باید در اواخر سده هفتم قمری بوده باشد. چون تاریخ وفات حسن کاشی معلوم نیست، نمی توان دانست که چه مقدار از عمر او در سده ۸ ق. سپری شده است. او تمام ذوق شاعری خود را صرف ستایش خاندان پیامبر اسلام (ص) کرده است و از ستایش دیگران گریزان بوده است.

منم که یرلغ طبعم به دار ملک بقا نوشته اند به مداحی محمد و آل

حسن کاشی زندگی اش را به پرهیزگاری و قناعت می گذراند. او به زیارت مدینه و مکه و نجف هم رفته است و بر مزار علی (ع)، منقبتی با این مطلع (آغاز شعر) خوانده است:

السلام ای سایه ات خورشید رب العالمین

مفتی هر چار دفتر، خواجه هر هشت خلد

عالم علم سلونی، شهسوار لؤ کشف

صورت معنای فطرت، باعث ایجاد

صاحب یوقون بالئذر، آفتاب انما

در جهان از راه حشمت چون جهانی در جهان

نقش بند کاف و نون از روز فطرت تا کنون

ناشنیده از زمان مهد تا باقی عمر

مثل تو ناورده ایزد در همه حالی محال

آن که مداحش خدا همدم رسول الله بود

گر کسی همتاش باشد هم رسول الله بود

این همان «قصیده هفت‌بند» است که قاضی نورالله در مجالس المومنین آورده و نوشته‌است «اکثر استادان متأخرین در تتبع آن درها سفته‌اند و به آن لطافت تا غایت چیزی نگفته‌اند». قصاید حسن کاشی در ستایش و منقبت بزرگان دین، شهرت بسیار داشته و مورد تقلید شاعران شیعه در دوره‌های بعد قرار گرفته‌است. در واقع موضوعی که در اینجا مورد بررسی قرار خواهد گرفت این است که شیخ حسن کاشی در اشاعه مذهب شیعه چقدر تلاش کرده اند و نقش ایشان در مورد این مسأله مورد ارزیابی و بحث قرار می‌گیرد.

ضرورت انجام تحقیق

در این مقاله تلاش شده است نقش گسترده شیخ حسن کاشی جهت تبلیغ و اشاعه فرهنگ تشیع و اهل بیت را با استناد به سروده‌های این شاعر مورد بررسی قرار گیرد. می‌توان گفت: که این شاعر شیعه مسلک تمام ذوق و هنر شاعری خود را به ستایش و تبیین منقبت خاندان پیامبر اسلام (ص) اختصاص داده بود. تاریخ مرگ حسن کاشی مشخص نیست و آرامگاه مولانا حسن کاشی در جانب قبله شهر سلطانیه است که به دستور شاه اسماعیل یکم صفوی عمارتی بر بالای قبر او ساختند و باغچه‌ای در آنجا طرح انداختند که محل زیارت دوستداران او بوده‌است. از این رو موضوع مورد تحلیل و بررسی قرار خواهد گرفت.

پیشینه ی تحقیق

پرگاری و همکاران (۱۳۹۳) به مطالعه تطبیقی حیات سیاسی شیخ مفید (ره) و شیخ طوسی (ره) پرداختند و اعلام کردند که در قرن چهارم هجری که دوران رشد و گسترش تمدن اسلامی محسوب می‌شود، شرایط سیاسی اجتماعی و فرهنگی خاصی بر جهان اسلام حاکم شد؛ که نقطه عطفی در حوزه دانش سیاسی مسلمانان به طور عام و بالخصوص شیعیان به شمار می‌آید. در این زمان با ضعف خلفای عباسی و قدرت یابی آل بویه، بستری برای شیعیان امامیه فراهم شد؛ تا عالمان شیعی فعالیت خود را برای اولین بار به طور علنی آغاز کرده و بتوانند پاسخگوی نیازهای فکری عقیدتی شیعیان باشند. از جمله این عالمان شیخ مفید و شیخ طوسی می‌باشند.

ذبیحی و همکاران (۱۳۹۳) با بررسی بر روی تأثیر قرآن و احادیث در دیوان مولاناحسن کاشی گزارش کردند که شاعر در دیوان، ترکیبات بسیاری را به کار برده که در به کارگیری آنها وامدار قرآن و حدیث است. او از کاربرد آیات و احادیث اهداف متعددی از جمله توصیف به ویژه توصیف و منقبت حضرت علی (ع) را دنبال کرده است. (حدود ۲۷ درصد)

ولادت، لقب و کنیه شیخ حسن

حسن بن محمود کاشی آملی از شاعران اواخر سده ۷ ق و نیمه اول سده ۸ ق است. خانواده ی وی از مردم کاشان و مقیم آمل بودند و پدرش محمود نام داشت. او در شعر «کاشی» تخلص داشت و گاهی بدین منظور از نام خود «حسن» بهره می‌برد. (رستاخیز، ۱۳۸۸: ۲۰) زادگاه‌اش چنانکه خود بیان می‌کند آمل و نسبت وی کاشانی است. (همان، ۲۱)

او به کاشی شهرت دارد ولی لقب وی به چند شکل ضبط شده است. در مونس الأحرار محمد بن بدر جاجرمی با عنوان «جمال الدین»، (جاجرمی، ۱۳۳۷: ۳۶۰)؛ و در هفت اقلیم امین احمد رازی، «کمال الدین» (طهرانی، بی تا: ۱۰۱۹ ج ۲) و در خلاصه التواریخ تألیف قاضی احمد بن حسین حسینی قمی، «تاج الدین» (ر.ک: خلاصه التواریخ، ج ۲، ۶۱۸) و همچنین به القابی چون افضل المتکلمین و احسن المتکلمین، نیز معروف می‌باشد. (ر.ک: مجالس المؤمنین، ج ۲، ۶۲۶).

بنا به گفته دولتشاه سمرقندی، حسن کاشی هم عصر سلطان محمد خدابنده الجایتو (پادشاهی ۶۹۵-۶۸۲ شمسی / ۷۱۶-۷۰۳ قمری) بوده‌است و بنابراین بخشی از عمر او باید در اواخر سده هشتم قمری بوده باشد. چون تاریخ وفات حسن کاشی معلوم نیست، نمی‌توان دانست که چه مقدار از عمر او در سده ۸ ق. سپری شده‌است. او تمام ذوق شاعری خود را صرف ستایش خاندان پیامبر اسلام کرده‌است و از ستایش دیگران گریزان بوده‌است. وی گفته است:

منم که یرلغ طبعم به دار ملک بقا نوشته‌اند به مداحی محمد و آل حسن کاشی زندگی‌اش را به پرهیزگاری و قناعت می‌گذرانند. او به زیارت مدینه و مکه و نجف هم رفته‌است و بر مزار علی، منقبتی با این مطلع (آغاز شعر) خوانده‌است:

السلام ای سایه ات خورشید ربّ العالمین	آسمان عزّ و تمکین، آفتاب داد و دین
مفتی هر چار دفتر، خواجه هر هشت خلد	داور هر شش جهت اعظم امیرالمؤمنین
عالم علم سلّونی، شهسوار لَو کشف ناصر	حق، نفس پیغمبر امام المتّقین
صورت معنای فطرت، باعث ایجاد خلق	اصل نسل آل آدم، نفس خیرالمرسلین
صاحب یوفون بالتّذّر، آفتاب	إتما قرّة العین لَعمرِک، نازش روح الامین
در جهان از راه حشمت چون جهانی در جهان	در زمین از روی رفعت آسمانی بر زمین
نقش بند کاف و نون از روز فطرت تا کنون	ناکشیده چون مه رخسار تو نقش مبین
ناشنیده از زمان مهد تا باقی عمر	بی رضای حق ز تو حرفی کرام الکاتبین
مثل تو ناورده ایزد در همه حالی محال	ور بود ممکن نه الا رَحْمَةً للعالمین
آن که مداحش خدا همدم رسول الله بود	گر کسی همتاش باشد هم رسول الله بود

این همان «قصیده هفت‌بند» است که قاضی نورالله در مجالس المؤمنین آورده و نوشته‌است. قصاید حسن کاشی در ستایش و منقبت بزرگان دین، شهرت بسیار داشته و مورد تقلید شاعران شیعه در دوره‌های بعد قرار گرفته‌است. تاریخ مرگ حسن کاشی مشخص نیست و آرامگاه مولانا حسن کاشی در جانب قبله شهر سلطانیه است که به دستور شاه اسماعیل یکم صفوی عمارتی بر بالای قبر او ساختند و باغچه‌ای در آنجا طرح انداختند که محل زیارت دوستداران او بوده‌است.

آثار شیخ حسن کاشی:

از ملا حسن کاشی آثار بسیاری به جا مانده است که می‌توان مجموع این تألیفات را به چند بخش مهم تقسیم کرد: دیوان غزل و قصیده (احمد رازی، ۱۳۷۸: ۲۳۱ ج ۲) یک نسخه خطی دیوان او به شماره ۷۵۹۴ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی محفوظ می‌باشد. شاخص‌ترین این اشعار که به هفت‌بند کاشی معروف است در ۱۲۹۲ در لکهنو در شانزده صفحه به چاپ رسید. (طهرانی، بی تا: ۸۹۹ ج ۹). دیوان اشعار کاشی به کوشش سیدعباس رستاخیز و همچنین برگزیده اشعار مولانا حسن کاشی، به کوشش علی اصغر شاطری به چاپ رسیده است. (جعفریان، ۱۳۸۷: ۲۳۲ ج ۵).

معرفت نامه: در این کتاب مختصر، درباره برخی از اصول اعتقادی شیعیان بحث می‌کند. تاریخ محمدی به ضمیمه معرفت‌نامه به کوشش رسول جعفریان چاپ و منتشر شده است. امین در اعیان‌الشیعة (ر.ک: اعیان‌الشیعة، ج ۵، ص ۲۳۲). از سهم وی در نشر مذهب تشیع و تأثیر تعلیم و تربیت و هدایت او در پایه‌ریزی حکومت صفوی، سخن گفته است.

انشاء در علم و ادب: وی اثری به نام انشاء در علم و ادب و شعر و حکمت نیز نگاشته است. (زعیم، ۱۳۳۶: ۲۸ ج ۱). همچنین متنی با عنوان تاریخ محمدی یا تاریخ رشیدی یا تاریخ دوازده امام یا فهرست ائمه (ع) از این شاعر شیعی بر جای مانده که به کوشش رسول جعفریان به چاپ رسیده است. وی در آغاز این اثر اولجایتو و رشیدالدین فضل‌الله را ستوده و سپس به معرفی و شرح احوال چهارده معصوم (ع) پرداخته است. این کتاب نخستین منظومه فارسی است که اشعار آن به‌طور کامل زندگی چهارده معصوم (ع) را پوشش داده است. چاپ این کتاب براساس تنها نسخه موجود از آن با تاریخ بیستم ذی قعدة ۸۱۹ که در کتابخانه ملی تبریز به شماره ۳۶۲۶ نگهداری می‌شود، به چاپ رسیده است. (جعفریان، ۱۳۸۷: ۷۱۹). کاشی در قصیده سرایی تخصص دارد و از شاعران سده ششم به ویژه خاقانی و انوری و ظهیر فاریابی و سنایی پیروی می‌کند. (کاشی، ۱۳۸۸: ۳۰).

درگذشت و آرامگاه شیخ حسن

درباره سال تولد و وفات شاعر در هیچ مأخذی ذکری به میان نیامده و تنها تذکره نویسان وی را از شاعران قرن هفتم و هشتم و معاصر سلطان محمدخدابنده و بوسعید از ایلخانان مغول دانسته‌اند؛ اما با توجه به اشارات وی در شعرش تا اندازه‌ای می‌توان محدوده سال تولد او را مشخص کرد. وی در سال ۷۳۲ ق در مدح و منقبت علی (ع) می‌گوید:

از پی هفصد و سی و دو زمن
گو بیا معجزات من بنگر (کاشی، ۱۳۸۸: ۲۱).

اگر آغاز منقبت گویی او را از بیست سالگی بدانیم در سال ۷۳۲ ق حدود پنجاه و یکی دو سال داشته و تولدش در محدوده زمانی ۶۸۰ ق یا یکی دو سال کم و بیش خواهد بود. وی همچنین در اشاره به سی و شش سال ثناگستری خود نسبت به خاندان رسالت چنین می‌گوید:

سی و شش منزل بریده کاروان عمر من
در ثنای خسروان بر اسب معنی بسته زین

با توجه به سی سال ستایشگری او در سال ۷۲۳ ق، سی و شش سال منقبت گویی برابر ۷۳۸ ق خواهد شد، لذا مولانا حسن کاشی تا سال (۷۳۸ ق) در قید حیات بوده است. (مهرآوران و نعمتی، ۱۳۹۰: ۶).

آرامگاه او در سلطانیه زنجان است و بقعه آن در روزگار شاه طهماسب صفوی بنا شده و در دوره‌های بعد در آن تعمیراتی صورت گرفته است. (حداد عادل، ۱۳۸۹: ۳).

کاشی در آثار دیگران

قدیمی‌ترین مأخذی که در آن، از این شاعر یاد شده، تاریخ جدید یزد تألیف احمد بن حسین بن علی کاتب است که پس از اشاره به سفر سلطان محمد خدابنده به مشهد مقدس می‌پرسید. چون سلطان به مشهد درآمد، درویشی نمودپوش را دید که پشت به قبر امام باز داشته بود، سلطان قهر کرد و گفت: تو کیستی؟ آن درویش مولانا حسن کاشی بود و چون سلطان گفت: تو کیستی؟ گفت:

منم که می‌زنم از حب آل حیدر لاف
ز جان و دل شده مولای آل عبد مناف

منم که موی وجودم به گاه رزم سخن شود
به کین خوارچ چو رمح زهره شکاف

و این قصیده در بدیهه بگفت و بر سلطان بخواند. سلطان محمد یک طشت طلا بدو بخشید از تذکره نویسان، نخستین کسی که از مولانا حسن یاد کرده، دولت‌شاه سمرقندی است که در تذکره خود به متانت و لطافت سخن او اشاره می‌کند و او را مردی دانشمند و فاضل معرفی کرده است. پس از دولت‌شاه، دیگران نیز با توجه به ذکر و ترجمه حال شاعر پرداخته‌اند که برخی از آنها نقل می‌شود.

دولت‌شاه سمرقندی

ذکر افضل المتکملین مولانا حسن کاشی - رحمه الله علیه - از جمله مادحان حضرت شاه ولایت پناه امیر المومنین و امام المتقین و یعسوب الدین اسد الله الغالب ابی الحسن علی بن ابیطالب - کرم الله وجهه - بود و هیچ کس به متانت و لطافت او سخن نگفته است. مردی دانشمند و فاضل بوده است. اصل او از کاشان است؛ اما در خطه آمل متولد شده و آنجا نشو و نما یافته، چنانکه می‌گوید:

مسکن کاشی اگر در خطه آمل بود
لیکن از جد و پدر نسبت به کاشان می‌رود

گویند که مولانا حسن بعد از زیارت کعبه معظمه - شرفها الله - و حرم حضرت رسالت - علیه الصلوه و السلام - به عزم زیارت امیر المومنین علی بن ابیطالب - علیه السلام - به دیار عراق عرب افتاده و به عتبه بوسی آن آستانه شریف مشرف شد و این منقبت بر روضه مطهره منوره آن حضرت خواند:

ای ز بدو آفرینش پیشوای اهل دین
وی ز عزت مادح بازوی تو روح الامین

در آن شب، حضرت شاه ولایت پناه را به خواب دید که عذر خواهی او می کند که ای کاشی از راه دراز آمده ای و تو را دو حق است بر ما، یکی حق مهمانی و یکی حق اصله شعر. اکنون باید که به بصره شوی و آنجا بازرگانی است که او را مسعود بن افلح گویند، از ما سلامش رسانی و گویی که در سفر عمان در این سال در آب کشتی تو غرق خواست شدن، یک هزار دینار بر نذر کردی و ما مدد کردیم و کشتی و اموال تو را به سلامت به ساحل رسانیدیم. اکنون از عهده آن بدرآی و از خواجه بازرگان زر بستان کاشی به بصره آمد و آن خواجه را پیدا ساخت و پیغام امیرالمومنین علی - علیه السلام - را به بازرگان رسانید. بازرگان از شادی چون گل بشکفت و سوگند خورد که من این حال به هیچ آفریده نگفتم ام و فی الحال، زر تسلیم مولانا حسن کرد و خلعتی بر آن مزید ساخت و شکرانه ی آنکه فریادرس شاه ولایت شده، دعوتی مستوفا جهت صالحان و فقرای شهر بداد؛ و مولانا حسن در عهد شباب نیکو صورت و سیرت و خدا ترس و متقی بوده است و غیر از مناقب ائمه چیزی نگفتی و به مدح ملوک اشتغال نکردی و قصاید او در مناقب شهرتی دارد. وفات مولانا حسن معلوم نبوده که در چه تاریخ بوده والله اعلم. مدفن او در سلطانیة عراق است و در سلطان محمد خدابنده بود. (ر.ک تذکره الشعراء، صص ۲۲۴-۲۲۳).

امین احمد رازی

مولانا کمال الدین حسن، از جمله مداحان شاه ولایت علی بن ابیطالب - علیه السلام - بود و به غیر از نعمت و منقبت شعری نگفته. نقل است که وقتی به عتبه بوسی شاه اولیا رسید، منقبتی که گفته بود به روضه مطهر آن سرور بگذارید. هم آن شب در عالم رؤیا مشاهده نمود که آن حضرت پیش وی آمده بر زبان الهام بیان گذرانید که: ای کاشی! مسعود بن افلح صره ای زر نذر ما نموده بود، آن را به صله منقبت به تو دادیم. گویند هنوز صبح ندمیده بود که مسعود در بزد و آن صره را آورده به مولانا حسن تسلیم نموده و دیوان شعر مولانا از غزل و قصیده امروز متداول است. بنابر اقتصار به بیستی چند اختصار افتاد:

چوشاه روم بر آمد فراز تخت زبرجد سپاه زنگ نگونساز کرد را یت اسود (بیت ۱۹)

منم که می زرم از حب آل احمد لاف ز جان و دل شده مولای آل عبد مناف

(رازی، ۱۳۷۸: ۱۰۱۹ ج ۲)

قاضی نور الله شوشتری

احسن المتکملین مولانا حسن الکاشی الآملی - قدس الله روحه العزیز - از جمله مداحان و غلامان با اخلاص حضرت امیر المومنین - علیه السلام - بوده و در طریقه اخلاص خاندان هم عنان بوذر و سلمان و در شیوه مداحی ایشان ماحی مدایح دعبل و حسان. دولت شاه سمرقندی در تذکره خود گفته که هیچ کس به متانت و لطافت او سخن نگفته، مرد دانشمند و فاضل بوده است. اصل او از کاشان، اما در خطه آمل متولد شده و در آنجا نشو و نمو یافته، چنانکه می گوید:

مسکن کاشی اگر در خطه آمل بود لیک از جدّ و پدر نسبت به کاشان می رود

و ایضاً در آن تذکره مذکور است که: مولانا حسن بعد از زیارت کعبه معظمه... و قصاید او در مناقب شهرتی دارد؛ و از جمله قصاید بی مانند او قصیده ای است هفت بند که اکثر استادان متأخرین در تتبع آن دردها سفته اند و به آن لفاظت تا غایت چیزی نگفته اند و آن این است:

السلام ای سایه ات خورشید رب العالمین آسمان غزو تمکین، آفتاب داد و دین

قبر مولانا حسن در جانب قبله شهر سلطانیه واقع است و پادشاه صاحبقران مغفور (شاه طهماسب) فرمودند که عمارتی بر بالای قبر او ساختند و باغچه ای در آنجا طرح انداختند و الحال آن مقام، مزار اهالی آن دیار است. (ر.ک. مجالس المؤمنین، ج ۲، ۶۴۱-۶۲۶).

محمد مظفر حسین صبا

مولانا محمد حسن کاشی که مسقط الرأس او در شهر آمل و منشأ خطه ی کاشان است از مداحان اهل بیت و گاهی به مدح شاه و وزیر و رئیس و امیر میل نمود هفت بند همین کاشی است که مضامین لطیفه و مکاتیب فصیح و بلغیه از آن ناشی. گویند که وی هرگاه به نجف اشرف رسید، جناب مرتضوی در رؤیا به وی فرمود که صله منقبتی که گفته ای هزار دینار نزد مسعود بن افلح تاجر مقیم شهر بصره امانت است، آنجا برو و بدو بگو که در سفر بحر عمان و خوف غرق جهاز خود هزار دینار نذر من در صورت نجات از آن مهلکه نموده بودی، آن زر بدین پیغام آور بدهد.

میرزا عبدالله افندی اصفهانی

ملا حسن بن (محمود) کاشی - وی فاضلی عالم و محقق شاعر و مدقق منشی و ماهر بود او و شیخ علی کرکی و بلکه علامه حلّی در نشر مذهب شیعه برابر بوده اند برای آن که کاشانی هم حق بزرگی به گردن مردم داشته، از جهت آن که آنها را به راه حق هدایت و به آیین شیعه رهبری کرده است و به همین مناسبت، مردم عامه از گذشته و حال با وی دشمنی می کرده اند و او را سرآغاز حدوث مذهب شیعه در دولت صفویه یا در روزگار سلطان محمد الجایتو خدا بنده می دانسته اند و برای دیگر ویژگی های او باید به ترجمه احوالش مراجعه کرد.

به خاطر می رسد، ملا حسن از اعلام روزگار علامه حلّی بوده و در زمان سلطان محمد خدابنده می زیسته و به بلده سلطانیه، یعنی همان جا که به همت سلطان محمد، بنا شده، مهاجرت و در همان شهر نیز رحلت کرده است مرقد او هم اکنون معروف و مزار است و من هم به زیارت قبر او رفته ام. ملا حسن از اعلام جلیل القدر و عظیم الشأن بوده، لیکن من به اثری از او دست نیافته ام از آثار او هفت قصیده پارسی است که به نام هفت بند ملا حسن کاشی معروف است ملا حسن قصاید مزبور را در منقبت حضرت مولا - علیه السلام - سروده و به خوبی از عهده برآمده است این قصاید هم اکنون در میان خواص و عوام متداول است. (ر.ک. ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۱، صص ۳۵۱-۳۴۸). گذشته از این مآخذ، شادروان دکتر ذبیح الله صفا ترجمه مبسوط و دقیقی با توجه به دیوان شاعر و سخن دولتشاه و قاضی نور الله شوشتری از مولانا حسن نقل کرده است (ر.ک. تاریخ ادبیات در ایران، ج ۲/۳، ۷۴۵-۷۵۱، بری آگاهی بیشتر از این مآخذ، ر.ک: فرهنگ سخنوران، ج ۲، ص ۷۵۵).

اما درباره زندگی کاشی با توجه به مجموعه اشعارش چنین استنباط می شود که وی به شیوه مرسوم روزگار خود به فراگیری علوم ادبی و دینی روی آورد و قرآن را نیکو آموخت و بر اخبار و احادیث اشراف یافت و چون به شاعری روی آورد، با این اندوخته ذهنی بر غنای شعر خویش افزود و به اقتضای مطلب در سخنش از آیات قرآنی و احادیث بهره برد، به طوری که در برخی موارد درک کلامش موقوف به آگاهی خواننده از قرآن و حدیث است. برای مثال:

تار آن «قل تعالوا» پود آن از «انما»	نقش او زین سان که در اعراب و انسان می رود
مطلعش از «انی اغلم» بود، مقطع «قل کافی»	لیکن از «ماض صاحبکم» به پایان می رود
آیت تطهیر مذهب «عنکم الرجس» اندر او	چون تجلی بر که سینا درخشان می رود
عادل و پاک و منزّه دانه از شرک و فساد آیت	«ثم استقاموا» بهره برهان می رود

مولانا در قصیده سرایی تخصص دارد و در این راه شاعری قوی و تواناست و از شاعران سده ششم به ویژه خاقانی و انوری و ظهیر فاریابی و سنایی پیروی می کند.

استقبال مولانا حسن از سنایی

سنایی:

ای مسلمانان اخلاق حال دیگر کرده اند / از سر بی حرمتی معروف، منکر کرده اند

مولانا حسن:

پیش از آن کاین طارم فیروزه منظر کرده اند / دولت باقی جزای مهر حیدر کرده اند

سنایی:

بس کنید آخر محال ای جملگی اصحاب مال
مولانا حسن:

در مکان آتش زنید ای طائفه ارباب حال
ای به روی خوب تو اقبال را فرخنده فال
سنایی:

سدره را تعظیم قدرت داده صد ره گوشمال
مقدسی که قدیم است از صفات کمال
مولانا حسن:

منزهی که جلیل است بر نعوت جلال
در ابتدای جهان لطف ایزد متعال
سنایی:

سرور و سالار فرزندان آدم
زهی پشت و پناه هر دو عالم
مولانا حسن:

که بد چون مرتضی در کل عالم؟
به نور عصمت و ایمان محکم
سنایی:

زبده دو زمانی، عمده روی زمین
ای امین شاه و سلطان و امیر ملک و دین
مولانا حسن:

وی زعزت مادح بازوی تو روح الامین
ای زبدو آفرینش پیشوای اهل دین
سنایی:

زین هر دو نام ماند چو سیمرغ و کیمیا
منسوخ شد و معدوم شد وفا
مولانا حسن:

زین دامگه به دانه دین آی، هان هلا
ای دل به دام دیو چرایی تو مبتلا؟

استقبال کاشی از خاقانی:

هر سحر کز موج این دریای گوهرزای من
گوهر معنی دهد فکر فلک پیمای من

تاثیر سلطان محمد خدابنده از اشعار شیخ حسن

چون سلطان به مشهد در آمد، درویشی نمودپوش را دید که پشت بر قبر امام باز داشته بود، سلطان قهر کرد و گفت: تو کیستی؟ آن درویش مولانا حسن کاشی بود و چون سلطان گفت: تو کیستی؟ گفت

منم که می‌زنم از حبّ آل حیدر لاف

ز جان و دل شده مولای آل عبدمناف

منم که موی وجودم به گاه رزم سخن

شود به کین خوارچ چو رمح زهره شکاف

و این قصیده در بدیهه گفت و بر سلطان بخواند. سلطان محمد یک طشت طلا بدو بخشید. (تاریخ جدید یزد: ۷۴) میرزا عبدالله افندی بر این باور است که سه نفر در تشیع ایران نقش داشتند: شیخ حسن کاشی، علامه حلی و محقق کرکی. وی در عصری وارد میدان ادب شیعی شد که سلطان محمد خدابنده نیز تمایل شیعی خود را آشکار کرده و نیازمند آن بود تا عالمان و ادیبان در دو بخش فقه و ادب به کمک وی بشتابند. کاشی این نقش را در بخش ادب عهده‌دار شد آرامگاه او در یک کیلومتری گنبد سلطانی‌هی زنجان است و بقعه‌ی آن در روزگار شاه طهماسب صفوی بنا شده و در دوره‌های بعد در آن تعمیراتی صورت پذیرفته

است. دیوان او در سال ۱۳۸۸ به تصحیح سید عباس رستاخیز و در شمار انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی چاپ شده است. این دیوان دو قصیده در منقبت امام رضا (ع) دارد که یکی از آن‌ها این است:

شرایط زندگی شیخ حسن کاشی

نقل شده است که حسن کاشی از نظر مادی تهیدست بود و زندگی به سامانی نداشت ولی هیچگاه پیش کسی دست نیاز دراز نمی کرد. (رستاخیز، ۱۳۸۸: ۲۳). در باره کاشی آورده اند: «او زندگانی را به صلاح و تقوی و قناعت می گذرانید و حاضر نبود از شعر و شاعری ارتزاق نماید» (طغیانی، ۱۳۸۵: ۱۰۳). وی درباره خویش می نویسد که هیچگاه سخنش برای دنیا و کالای دنیا نبوده و از جمله شاعران مدیحه سرایی نیست که از دیوان های کهنه و نو شعری فراهم سازد تا در ذکر محامد فرمانروایان عصر به کار گیرد و از این راه توشه ای اندوخته و زندگی مرفهی سامان دهد. (همان، ۲۴).

فعالیت های اجتماعی شیخ حسن کاشانی

در عصری که سلطان محمد خدابنده تمایل شیعی خود را آشکار کرده و نیازمند آن بود تا عالمان و ادیبان در دو بخش فقه و ادب به کمک وی بشتابند، شیخ حسن کاشی این نقش را در بخش ادب عهده دار شد. (رستاخیز، ۱۳۸۸: ۷). میرزا عبدالله افندی بر این باور است که سه نفر در ترویج تشیع در ایران نقش داشتند: علامه حلی، محقق کرکی و شیخ حسن کاشی؛ که شیخ از شعر به عنوان ابزاری برای نشر اعتقاداتش استفاده می کرد. (همان، ۲۴-۲۰). همچنین سلیمی تونی، ابن حسام خوسفی، محتشم کاشانی، پناهی، افنچنگی و ده ها شاعر دیگر قرن نهم و دهم از کاشی تأثیر پذیرفته اند. (همان، ۸). در رابطه با زندگی کاشی نقل کرده اند که وی به زیارت خانه خدا رفت و پس از بازگشت از این سفر به عتبات عالیات و بصره رفت و همچنین سفری به خراسان داشت و آستان بوسی ثامن الائمه علی بن موسی الرضا (ع) در مشهد نصیبش گردید. (همان، ۲۴-۲۰).

سبک و موضوع شعری شیخ حسن

موضوع تمام اشعار کاشی مدح ائمه (ع) و مناجات با خداوند می باشد. وی در قالب قصیده، ترکیب بند، ترجیع بند، مسمط، مخمس، مسدس، مربعات، غزلیات و رباعیات شعر سروده است. در مجموع دیوان وی شامل: (کاشی، ۱۳۸۸: ۲۴). دو غزل که یکی مناجات و دیگری پند و اندرز می باشد. پنجاه و هفت قصیده که تعدادی از آنها در مدح امام رضا (ع)، امام حسین (ع) و پیامبر (ص) می باشد ولی اکثر این قصاید در مدح علی (ع) است.

دو رباعی که یکی در مدح علی (ع) و دیگری درباره مناجات با خداوند می باشد.

دو ترکیب بند: که در مدح علی (ع) است.

دو ترجیع بند: که در مدح علی (ع) است.

دو مربعات که یکی مناجات و دیگری در مدح علی (ع) می باشد.

یک مسدس که در مدح علی (ع) است.

یک مخمس که در مدح علی (ع) است.

یک مسمط که در مدح پیامبر (ص) و علی (ع) است.

و تعدادی ابیات پراکنده که البته منسوب به ملا حسن کاشی است.

تأثیر سروده های شیخ حسن کاشی از قرآن کریم و احادیث

کاشی به فراگیری علوم ادبی و دینی روی آورده، قرآن را آموخت و بر اخبار و احادیث اشراف یافت و به اقتضای مطلب در سخنش از آیات قرآنی و احادیث بهره برد به طوری که در برخی موارد درک کلامش موقوف به آگاهی خواننده از قرآن و حدیث است.

تار آن از «قل تعالوا» پود آن از «انما»	نقش او زین سان که در اعراب و انسان می رود
مطلعش از «انی اعلم» بود مقطع «قل کفی»	لیکن از «ما ضل صاحبکم» به پایان می رود
آیت تطهیر مذهب «عنکم الرجس» اندر او	چون تجلی بر که سینا درخشان می رود
عادل و پاک و منزّه دانم از شرک و فساد	آیت «ثم استقاموا» بهر برهان می رود

(رستاخیز، ۱۳۸۸: ۳۰).

فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ (ال عمران، ۶۱) (پس هر که در این باره پس از دانشی که تو را حاصل آمده، با تو محاجه کند، بگو: بیا بید پسرانمان و پسرانمان و زنانمان و زنانتان و ما خویشان نزدیک و شما خویشان نزدیک خود را فرا خوانیم سپس مباحله کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم).

«إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ» (مائده، ۵۵) ولی شما، تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده اند: همان کسانی که نماز برپا می دارند و در حال رکوع زکات می دهند.

«وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَ تَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَ يَسْفِكُ الدَّمَاءَ وَ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَ نُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (بقره، ۳۰) و چون پروردگار تو به فرشتگان گفت: «من در زمین جانشینی خواهم گماشت»، [فرشتگان] گفتند: «آیا در آن کسی را می گماری که در آن فساد انگیزد و خون ها بریزد؟ و حال آنکه ما با ستایش تو، تنزیه می کنیم و به تقدیست می پردازیم.» فرمود: من چیزی می دانم که شما نمی دانید.

«وَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» (رعد، ۴۳) و کسانی که کافر شدند می گویند: «تو فرستاده نیستی.» بگو: «کافی است خدا و آن کس که نزد او علم کتاب است، میان من و شما گواه باشد. ما ضل صاحبکم و ما عوی» (نجم، ۲) [که] یار شما نه گمراه شده و نه در نادانی مانده

«وَ قَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَ لَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَ اقِمْنَ الصَّلَاةَ وَ آتِينَ الزَّكَاةَ وَ اطِيعْنَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» (احزاب، ۳۳) و در خانه هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینتهای خود را آشکار مکنید و نماز برپا دارید و زکات بدهید و خدا و فرستاده اش را فرمان برید. خدا فقط می خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزدايد و شما را پاک و پاکیزه گرداند.

«إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَفَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْنَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَ لَا تَحْزَنُوا وَ أَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ» (فصلت، ۳۰) در حقیقت، کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداست» سپس ایستادگی کردند، فرشتگان بر آنان فرود می آیند [و می گویند]: «هان، بیم مدارید و غمین م باشید و به بهشتی که وعده یافته بودید شاد باشید. عبارتهای قرآنی که شاعر در سروده های خود بکار برده همگی بر مناقب اهل بیت دلالت دارند.

اهل بیت (ع) در اشعار کاشی

سمرقندی در این باره می گوید: «مولانا حسن در عهد شباب مرد نیکو صورت و سیرت و خداترس و متقی بوده و غیر از مناقب ائمه (ع) چیزی نگفته و به مدح ملوک اشتغال نکرده و قصاید او در مناقب شهرت دارد» (الویری، ۱۳۸۴: ۱۳۶).

امام علی (ع) در اشعار شیخ حسن

از تذکره نویسان نخستین کسی که از کاشی یاد کرده دولتشاه سمرقندی است که در تذکره خود: «به متانت و لطافت سخن او اشاره کرده و او را مردی دانشمند و فاضل معرفی می کند. سمرقندی می گوید که کاشی بعد از زیارت کعبه به نجف اشرف رفت و در هنگام ورود به حرم، در مدح علی (ع) این بیت را خواند»:

ای ز بدو آفرینش پیشوای اهل دین
وی ز عزت ماح بازوی تو روح الامین

«آن شب علی (ع) را در خواب دید که از او عذر خواهی می کند و می گوید: ای کاشی از راه دوری آمده ای و اکنون دو حق بر ما داری، یکی حق مهمانی و دیگری حق صلّه شعر. اکنون به بصره روانه شو که آنجا بازرگانی است به نام مسعود بن افلح، سلام ما را به وی رسانده و بگو که امسال در سفر عمان، آنجایی که کشتی تو غرق می شد تو یک هزار دینار برای ما نذر کردی و ما تو را یاری کردیم و کشتی و اموال تو را به سلامت به ساحل رساندیم، اکنون به عهد خود وفا کن. کاشی این پیغام را رساند و بازرگان از شوق چون گل بشکفت به طوری که هم به کاشی زر داد و هم به شکرانه این که مشمول عنایت علی (ع) شده صالحان و فقرا شهر را به مهمانی دعوت کرد.»

کاشی همواره به مدّاحی علی (ع) و اهل بیت (ع) ایشان فخر کرده است. (بیرجندی، ۱۳۷۷:۳).

هر دل که دوستی علی اختیار کرد او را خدای در دو جهان بخت یار کرد
حسن کاشی با دلبستگی به ثنای علی (ع) و پای بندی به اصول عقاید خویش فقر و تهیدستی را تحمل می کرد و گرد ستایش صاحبان قدرت نمی گشت. وی در این باره می گوید. (کاشی، ۱۳۸۸:۲۵).

اگر به فاقه و فقرم و گر به محنت و رنج
من و ثنای علی تا به صبحگاه نشور

وی همچنین اشاره دارد که نزدیک سی سال است که ستایشگر علی (ع) و خاندان اوست.

قرب سی سال شد که خاطر
من هست در شاه دین ثنا گستر

قصاید وی در مدح علی (ع) هم محکم و بی عیب بوده و هم دچار تعقیب و تکلیف نیست، بلکه به فهم مردم نزدیک می باشد؛ زیرا وی آگاهانه آنچنان شعر می گفته که مردم بفهمند و بپسندند و با خود و بر دیگران بخوانند. غرض او از شاعری نشان دادن تسلط بر فنون و صناعات شعری نبوده بلکه او شعر را همچون ابزاری یا رسانه ای در خدمت اعتقادات خود به کار می گرفته است. (حداد عادل، ۱۳۸۹:۲۶).

به شهید مدح کسی گر زبان گشایم،
ولی حق که به امر خدا مقرر گشت علی
باد زبان ناطقه ام در گه شهادت لال
است آن که شهنشاه هفت کشور گشت

شعر حسن کاشی درباره حضرت علی بن موسی الرضا (ع):

دوش چون دور شب تیره به پایان آمد
چشم جان از دم مشکین صبا روشن شد
شرف خاک خراسان همه دانی که ز چیست؟
مشهد پاک معلای امام معصوم
نوبت زمزمه مرغ سحر خوان آمد
گویی از مصر نسیمی سوی کنعان آمد
زانکه در خطه او روضه رضوان آمد
آنکه خاکش ز شرف افسر کیوان آمد

با آن که بیشتر قصاید و اشعار حسن کاشی، در مدح امام علی (ع) است، ولی مقداری از اشعار او که در تذکره‌ها نیز آمده، در ستایش دیگر ائمه اطهار (ع) دیده می‌شود؛ مانند قصیده ای که در مدح امام رضا (ع) سروده است. (بیرجندی، ۱۳۷۷:۴۱).

دوش چون تیره شب صبح به پایان آمد
نفس عیسوی آورد صبا از دم صبح
چشم ما از دم مشکین صبا روشن شد
گوی سیمین مه بدر به سرحد افق
نوبت زمزمه مرغ سحر خوان آمد
تا در اجزای طبایع مدد جان آمد
گویی از مصر نسیمی سوی کنعان آمد
هم به چوگان فلک بر سر میدان آمد

امام زمان (عج) در اشعار او

وی همچنین اشعاری درباره امام زمان (عج) سروده و ایشان را منجی عالم بشریت و از بین برنده ظالمان جهان می داند. آن مهدی آخرزمان، آن قائم صاحب مکان آن خسرو صاحب قران، آن منعم صاحب عطا ای حجت راه هدی، رأی تو را جانها فدا در ده ظهورت را نندا، بیرون خرام از متکا برگیر رسم بد ز ره، در ملک دین زن تختگه چونصبح صادق کشسپه، برام انجم زن لوا غلغل به عالم درفکن، گردنکشان را سرفکن بیخ مخالف برفن، درد موافق کن دوا (مهراوران، ۱۳۹۰:۱۱۹).

مخالفان اهل بیت (ع) در اشعار وی

کاشی در روبرو شدن با مخالفان اهل بیت (ع) زبانی تند و تیز داشت و بی پروا آنچه را که می خواست می گفت و معاندان و منافقان از تیغ زبان او در امان نبودند. (الویری، ۱۳۸۴:۱۳۶)

تو را گر آل بوسفیان امامند
تو با مروانیان همسایه گشتی
آلای ناصبی می دان که فردا
مرا رهبر به غیر از مرتضی نیست
مرا همراه غیر از اولیا نیست
نصیبت جز غم و درد و بلا نیست!
(کاشی، ۱۳۸۸:۲۵).

کاشی در نگاه دیگران

امین احمد رازی: «کمال الدین حسن کاشی از جمله مداحان علی بن ابیطالب (ع) بود و غیر از منقبت ایشان شعری نگفته است». (همان، ۲۷).

قاضی نورالله شوشتری: «کاشی از جمله مداحان و غلامان با اخلاص حضرت امیرالمؤمنین (ع) بوده و در طریقه اخلاص، خاندان ابوذر و سلمان و در شیوه مداحی برای اهل بیت (ع) ماحی مدایح دعبل و حستان است». (همان، ۲۸). محمد مظفر حسین صبا: «او از آن جمله مداحان اهل بیت (ع) است که هیچ گاه به مدح شاه و وزیر و رئیس و امیر میل ننمود». (کاشی، ۱۳۸۸:۳۰). میرزا عبدالله افندی اصفهانی: «کاشی فاضلی عالم و محقق شاعر و مدقق منشی و ماهر بود. او و شیخ علی کرکی و بلکه علامه حلّی در نشر مذهب شیعه برابر بوده اند؛ زیرا کاشی مردم را به راه حق هدایت می کرد و به آیین شیعه رهبری می نمود و به همین سبب مردم عامه از گذشته و حال با وی دشمنی می کرده اند و او را سر آغاز حدوث مذهب شیعه در دولت صفویه یا در روزگار سلطان محمد اولجایتو می دانسته اند» (جعفریان، ۱۳۸۲:۲۹). محتشم کاشانی در قصیده ای با اشاره به هفت بند کاشی آورده است: «او سر خیل منقبت گویان و بهره مند از الطاف الهی است که زندگیش را وقف اهل بیت (ع) کرده است». (کاشی، ۱۳۸۸:۳۷).

ببین بیین که رسیدست از نعیم عطا
علی الخصوص به سر خیل منقبت گویان
به مدح شاه عدو بندش از مهارت طبع
به بلبان گلستان منقبت چه نعم
که ریختی در جنت بها ز نوک قلم
چو داد سلسله «هفت بند» دست به هم
(کاشی، ۱۳۷۷:۲۲).

نتیجه گیری

حاصل کلام اینکه حسن کاشی شاعر برجسته ی سده ی هفتم و هشتم ه.ق مطابق عقاید دینی و مذهبی و به سائقه ی میل و علاقه ی شخصی، در دیوان اشعار تحت تأثیر آیات و احادیث بوده است و بخش مهمی از ماندگاری شعر وی محصول این امر است. انس بسیاری از مخاطبان و همدلی عاطفی آنها با شعر او از رهگذر استفاده ی چشم گیر شاعر از آیات و احادیث محقق شده است. از دیدگاهی دیگر شاعر با استفاده از آیات و احادیث خلاقیت هنری خود را متجلی کرده است و هرگونه تحلیل در باب شعر او بدون شناخت تأثیر آیات و احادیث که از منابع مهم اندیشه و هنر شاعر به شمار می روند ناتمام خواهد بود. تأثیر قرآن و حدیث را در جای جای دیوان وی می توان دید، اما این امر در قصاید او حضوری پررنگ تر دارد. توجه شاعر بیشتر معطوف به آیات قرآن کریم است؛ به گونه ای که حدود ۵۸ درصد کل اثرپذیری های او از این مقوله است و در مقابل در حدود ۴۲ درصد موارد متأثر از احادیث است. از دیدگاهی دیگر اثرپذیری او از آیات و احادیث بیشتر از نوع آشکار و نمایان است (حدود ۷۲ درصد) تا پنهان و پوشیده. شاعر در بهره گیری از آیات و احادیث از بیشتر شیوه های اثرپذیری مانند تصویر، تلمیح، اقتباس، ترجمه، تأویل و حل استفاده کرده است، اما بیشترین میزان استفاده ی شاعر از نوع اثرپذیری تصویری است (حدود ۴۷ درصد) شاعر در دیوان، ترکیبات بسیاری را به کار برده که در به کارگیری آنها وامدار قرآن و حدیث است. او از کاربرد آیات و احادیث اهداف متعددی از جمله توصیف به ویژه توصیف و منقبت حضرت علی (ع) را دنبال کرده است. (حدود ۲۷ درصد)

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم
۲. احمدی بیرجندی، ا؛ و نقوی زاده، ع.، مدایح رضوی (ع) در شعر فارسی، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد مقدس، ۱۳۷۷ ش.
۳. احمد رازی، ا.، تذکره هفت اقلیم، چاپ محمدرضا طاهری (حسرت)، تهران ۱۳۷۸ ش.
۴. الویری (خندان)، م.، زندگی فرهنگی و اندیشه سیاسی شیعیان از سقوط بغداد تا ظهور صفویه ۶۵۶-۹۰۷ ق، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ۱۳۸۴ ش.
۵. پرگاری، ص.، عالمی، خ.، دلیخون، م.، ۱۳۹۳. مطالعه تطبیقی حیات سیاسی شیخ مفید (ره) و شیخ طوسی (ره). پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم تهران.
۶. جاجرمی، م.، مونس الأحرار فی دقائق الأشعار، با مقدمه محمد قزوینی، چاپ می رصالح طیبی، تهران ۱۳۳۷-۱۳۵۰ ش.
۷. جعفریان، ر.، سلطان محمد خدابنده «الجایتو» و تشیع امام در ایران (شرح چگونگی شیعه شدن سلطان محمد خدابنده). به ضمیمه رساله «فوائد الجایتو در اثبات امامت امام (ع) و علل گرایش وی به تشیع از زبان خودش، کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران، قم، ۱۳۸۰ ش.
۸. جعفریان، ر.، تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا قرن دهم هجری (تهران)، علم، تهران، ۱۳۸۷ ش.
۹. جعفریان، ر.، مروری اجمالی بر منقبت امامان علیهم السلام در شعر فارسی، مشکوه، ش ۷۸، بهار ۱۳۸۲ ش.
۱۰. حداد عادل، غ.، نقد و معرفی کتاب: حسن کاشی شاعر شیعی قرن هفتم و هشتم، اطلاع رسانی و کتابداری، آینه پژوهش، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۹ - شماره ۱۲۱، از صفحه ۲۴ تا ۲۹.
۱۱. ذبیحی، ر.، اکبرنژاد، م.، جلوداری، ی.، ۱۳۹۳. تأثیر قرآن و حدیث در دیوان مولانا حسن کاشی آملی. فصلنامه پژوهش های ادبی و قرآنی، سال دوم. شماره ۳
۱۲. رستاخیز، س ع.، دیوان حسن کاشی، با مقدمه حسن عاطفی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران ۱۳۸۸ ش.
۱۳. زعیم، ک.، مردان بزرگ کاشان، بنیاد دایره المعارف اسلامی، تهران، ۱۳۳۶ ش.

۱۴. طغیانی، ا.، تفکر شیعه و شعر دوره صفوی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ۱۳۸۵ ش.
۱۵. طهرانی، م. م.، (آقا بزرگ)، الذریعة إلى تصانیف الشیعة (منبع الکترونیکی)، موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت (ع)
۱۶. کاشی، ح.، تاریخ محمدی، به کوشش: جعفریان، رسول، کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران، قم، ۱۳۷۷ ش.
۱۷. مهرآوران، م.، نعمتی، ف. ا.، مجمع البحرین معنی، بررسی شیوه شاعری و مضامین شیعی حسن کاشی، ادبیات و زبان‌ها، تاریخ ادبیات، پاییز و زمستان ۱۳۹۰ - شماره ۶۹، از صفحه ۱۱۹ تا ۱۴۰.

The role of culture in the Shiite Sheikh Hassan Kashi

Ali Akbar Sheikhi

*Master of Comparative Language and Literature, payame Noor University of Kerman,
Teacher of Literature first high school, Teaching and breeding the Area tow
Zahedan*

Abstract

Current research is descriptive research as "The role of culture in the Shiite Sheikh Hassan Kashi" Where attempts to how the role of the famous poet seventh century Shiite-proliferation and development in the Caspian region should be investigated and explained.

Sheikh Hassan Kashi Amelie from Shi'ite poet of the seventh century AH. His poetry as tools and media used to spread the faith, so that all his life to promote Shiism and poems in praise of Ahl al-Bayt (AS), especially praising Ali (AS), Imam Reza (AS), and Imam H. (Jj)

Referring to the Court bulky Sheikh tangible sense of tiles this point the water that most noble virtue of his poems to the family of the Prophet (PBUH) is dedicated Apart from the family cleared and someone else had not praised. Sheikh tile to be poetic and rhetorical power of Venice, self-esteem and self-respect, wanted to pure Islamic creed and religion, the right to introduce Shia well.

Keywords: Sheikh Hassan Kashi, culture Shia, Imam Ali (AS), Imam Reza (AS).
